

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: طاهر باختري

۲۰ جون ۲۰۲۵

اخبار و تحليل ها در مورد حملات هماهنگ اسرائيل و امريكا بر ايران!

منبع: الاخبار

نويسنده: احمد العابد

فرستنده: طاهر باختري

۲۰ جون ۲۰۲۵

فرار برای ثروتمندان، مترو برای فقرا: جبهه داخلی اسرائيل در حال خونريزی است

شهرک‌نشینان به دليل وضعیت هوشدار مداوم و به صدا درآمدن آژیرهای حمله هوایی، وحشت فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند.

رام‌الله | ایستگاه‌های متروی اسرائيل به اقامتگاه‌هایی برای شهرک‌نشینانی، که از راکت‌های ایرانی فرار می‌کنند تبدیل شده‌اند، در حالی که شکایات فزاینده‌ای در مورد کمبود پناهگاه‌های مستحکم، به ویژه پس از حادثه "پتاج تیکوا"، که در آن پنج شهرک‌نشین در داخل یکی از این پناهگاه‌ها کشته شدند، وجود دارد.

به نظر می‌رسد شهرک‌نشینانی که در این ایستگاه‌ها پناه گرفته‌اند، کسانی هستند که قادر به نقل مکان به جنوب یا شمال یا فرار به خارج از اسرائيل نبوده‌اند، آن هم در زمانی که خسارات ناشی از حملات راکتی به ساختمان‌ها دو برابر شده و به بیش از دو میلیارد شکیل رسیده است.

به نظر می‌رسد که پیامدهای جنگ، پس از گزارش "مؤسسه بیمه ملی" مبنی بر این‌که "۵۰۰۰ اسرائیلی پس از آسیب دیدن از حملات راکتی ایران از خانه‌های خود تخلیه شده‌اند، تأثیرگذاری بر جبهه داخلی اسرائيل را آغاز کرده است. در همین حال، تعداد شکایات ثبت شده در صندوق غرامت به تقریباً ۲۳۰۰۰ مورد افزایش یافته است و انتظار می‌رود با ادامه حملات راکتی، این تعداد بیش‌تر شود.

شهرک‌نشینان به دليل وضعیت آماده‌باش مداوم و به صدا درآمدن آژیرهای هوشدار راکت‌های ایرانی، وحشت فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند. منابع عبری گزارش دادند که هزاران شهرک‌نشین دائماً تماس‌های تلفونی و پیامک‌هایی دریافت می‌کنند که از آن‌ها خواسته می‌شود با توجه به حملات راکتی مداوم ایران به شهرهای اسرائيل، به پناهگاه‌ها بروند. این امر باعث شد فرماندهی جبهه داخلی ارتش اسرائيل از طریق رسانه‌ها با اسرائیلی‌ها صحبت کند تا اضطراب آن‌ها را کاهش دهد.

اسرائیل همچنین در روزهای اخیر شاهد آوارگی گسترده داخلی بوده است. روزنامه عبری "معاریو" گزارش داد که مقامات هزاران اسرائیلی را به مکان‌های مختلف منتقل کرده‌اند تا بازرسی از ساختمان‌های آسیب‌دیده از راکت‌ها برای

تصمیم‌گیری انجام شود. این روزنامه خاطرنشان کرد که حملات ایران باعث شده است که اسرائیل به دلیل خسارت به ساختمان‌ها، صدها خانواده را به هتل‌ها منتقل کند.

بندر هرتزلیا در ساحل مدیترانه به نقطه فرار اسرائیلی‌ها تبدیل شده است.

از جمله مناطقی که به شدت آسیب دیده‌اند، "بنی براک"، محله مسکونی در قلب تل ابیب است که یهودیان مذهبی در آن ساکن هستند. به گزارش هآرتص، "بنی براک" از سال ۱۹۴۸ تاکنون حتی یک حمله راکتی را تجربه نکرده بود. با این حال، این وضعیت با توجه به رویارویی فعلی تغییر کرده است، به طوری که این روزنامه خاطرنشان می‌کند: "اخام‌های این شهر قبلاً می‌گفتند که شهر توسط علمای تورات و جمعیت عمدتاً مذهبی بزرگ خود محافظت می‌شود، اما این وعده‌ها با راکت‌های ایرانی از بین رفت."

در مورد "بیت یام"، در نزدیکی تل ابیب، که مورد اصابت راکت‌های سنگین ایرانی قرار گرفت، شهردار آن اظهار داشت که ۷۵ ساختمان توسط راکت‌های ایرانی آسیب دیده است که ۳۰ مورد از آن‌ها باید به طور کامل تخریب شوند. "کانال ۱۳" گزارش داد که هزاران اسرائیلی، پس از آن که هزاران نفر قبلاً از پوشش غزه و شمال تخلیه شده بودند، خانه‌های خود را در منطقه مرکزی تخلیه کرده‌اند.

"کانال ۱۲"، به نوبه خود، از افزایش قیمت آپارتمان در خارج از منطقه تل ابیب به دلیل تقاضای بالا خبر داد. این کانال خاطرنشان کرد: "طبق نظرسنجی که ما در پلتفرم جهانی اجاره آپارتمان (Airbnb) انجام دادیم، میانگین قیمت اجاره یک آپارتمان در شمال کشور برای یک شب تقریباً ۶۰۰ شیکل است، اما می‌توان آپارتمان‌هایی با قیمت کمتر از ۲۰۰ شیکل برای هر شب نیز پیدا کرد." ارزش هر دالر تقریباً ۳.۵ شیکل است.

به گفته این کانال، "از صبح یکشنبه، پیام‌ها و درخواست‌هایی از سوی اسرائیلی‌ها – عمدتاً از منطقه مرکزی، که در قلب بمباران ایران قرار دارد – در رسانه‌های اجتماعی و در گروه‌های مختلف به دنبال راه‌های حل موقت و ایمن شروع به انتشار کرد." ساکنان کیبوتص "ریم"، که پس از وقایع ۷ اکتوبر به تل ابیب گریختند، پس از تصمیم به بازگشت به خانه‌های متروکه خود در کیبوتص، خوش‌شانس‌تر بودند.

در مورد آوارگی داخلی و پرواز به خارج از کشور، و تلاش‌های اسرائیل برای کنترل این امر به منظور عدم تأثیر بر روحیه جبهه داخلی، "یووال یواز"، روزنامه‌نگار اسرائیلی، در مقاله‌ای در وبسایت "زمان اسرائیل" با عنوان "حق فرار"، نوشت: "دولت نتانیاو تصمیم رسمی برای ممنوعیت سفر صادر نکرده است، اما واقعیت به دلیل بسته شدن حریم هوایی و محدودیت‌های پرواز، نشان دهنده یک ممنوعیت بالفعل است." او خاطرنشان کرد: "کسانی که گزینه فرار از اسرائیل را دارند، به قایق‌های تفریحی خصوصی یا گذرگاه‌های زمینی به اردن و مصر متکی هستند."

وی افزود: "تصمیم برای جلوگیری از انتقال اسرائیلی‌ها به خارج از کشور توسط خطوط هوایی، آزادی جابه جایی را در عمل محدود می‌کند"، با وجود این که قانون اساسی این حق را تضمین می‌کند. او خاطرنشان کرد: "تناقض آشکار این است که وزارت گردشگری اعلام کرده است که به ۳۸۰۰۰ گردشگر خارجی کمک می‌کند تا از طریق هوایی اسرائیل را ترک کنند، در حالی که اسرائیلی‌ها از سفر منع شده‌اند."

این تبعیض، تردیدهای جدی در مورد اعتبار ادعاهای امنیتی ایجاد می‌کند و این پرسش را مطرح می‌کند: آیا اسرائیلی‌ها حق فرار دارند؟

این تشدید ممنوعیت سفر در حالی صورت می‌گیرد که روزنامه "هاآرتص" فاش کرد که بندر "هرتزلیا" در ساحل مدیترانه به نقطه ترانزیتی برای اسرائیلی‌هائی تبدیل شده است که هر روز صبح با چمدان‌هائی به دنبال قایق تفریحی برای رفتن به قبرس و از آنجا به مقاصد دیگر، با هزاران دالر، به آنجا می‌رسند. طبق گفته گروه‌های فیسبوکی که به ترک کشور از طریق آبها اختصاص دارند، "صدها نفر اکنون می‌خواهند از این طریق اسرائیل را ترک کنند."

همانطور که همه می‌دانند، وقتی تقاضا وجود دارد، همیشه کسانی هستند که به سرعت خدمات خود را در ازای پول ارائه می‌دهند. این روزنامه خاطرنشان کرد که بندر "حیفا" در شمال و "اشکلون" در جنوب، مقصد کسانی هستند که به دنبال فرار هستند و صاحبان قایق‌های کوچک در ساحل منتظر اند تا گروه‌هائی را که بیش از ده نفر نیستند، منتقل کنند. اسحاق بریک، سرلشکر بازنشسته ارتش اسرائیل، با ارزیابی وضعیت جبهه داخلی گفت: "این کشور برای جنگ آماده نیست و اقتصاد اسرائیل از وقوع یک رویارویی طولانی مدت با ایران جان سالم به در نخواهد برد." او تأکید کرد که تنها راه حل ممکن از طریق توافق سیاسی بین واشنگتن و تهران است.

بریک نسبت به غرق شدن در "سرخوشی دستاورد نظامی" هوشدار داد و گفت که حمله نیروی هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران "در از بین بردن توانائی تهران برای تولید بمب موفق نبود"، در حالی که تنها دستاورد واقعی "تقویت بازدارندگی ایران بود، نه چیز دیگر".

او خاطرنشان کرد که جنگ فعلی بار دیگر "شکاف عظیم" بین آمادگی بالای نیروی هوایی و آنچه او "سهل‌انگاری مجرمانه" در آماده‌سازی جبهه داخلی توصیف کرد، را آشکار کرده است. او تأکید کرد که نادیده گرفتن تهدیدهایی که می‌توانند تا عمق اشغال گسترش یابند، منجر به ویرانی گسترده خواهد شد، همانطور که در "پاکت غزه" و در شمال اتفاق افتاد.

و افزود که ادامه طولانی مدت جنگ منجر به فلج اقتصادی و تعطیلی جهانی هوانوردی و تجارت خواهد شد که "می‌تواند توانائی اسرائیل برای ادامه جنگ را به طور کامل مختل کند."

<https://shorturl.at/JUUVo>

پنج‌شنبه، ۱۹ جون ۲۰۲۵

فرستنده: طاهر باختری

۲۰ جون ۲۰۲۵

با ادامه تبادل ضربات بین اسرائیل و ایران، این اتفاقات تا تاریخ ۱۹ جون رخ داده است:

- * - ۶۰ جنگنده بیش از ۲۰ هدف را در تهران مورد حمله قرار دادند، که یکی از این حملات به تأسیسات تولید راکت ضد تانک در ایران اصابت کرد، ارتش اسرائیل اعلام کرد.
- * - اسرائیل به راکتور آب سنگین ایران در مجموعه هسته‌ای اراک در شمال غربی ایران حمله کرد، طبق گزارش آژانس رسانه‌ای دولتی IRIB این تأسیسات آسیب جدی ندید و هیچ نشانی تشعشعی گزارش نشد.
- * - یکی از حملات نیروی هوایی اسرائیل به کرج، غرب تهران، طبق رسانه‌های ایرانی اصابت کرد.
- * - ایران برای اولین بار از راکت‌های سجیل با برد ۲۰۰۰ کیلومتر علیه اسرائیل استفاده کرد، طبق گزارش تسنیم.
- * - ویدیوهائی از ایران که نسل جدیدی از راکت‌ها را در یک موج جدید از حملات به اسرائیل شلیک می‌کند، به‌طور گسترده آنلاین منتشر شد.

* - راکت‌های ایرانی به تل ابیب اصابت کردند، و شش انفجار در شهر، از جمله در منطقه هولون، گزارش شد، SNN گزارش داد.

"هدف اصلی" حمله راکتی بالستیک صبحگاهی ایران "ستاد بزرگ فرماندهی و اطلاعات ارتش اسرائیل (C4I IDF) و کمپ اطلاعات نظامی در پارک فناوری گویام" بود، طبق گزارش ایرنا. این تأسیسات در کنار بیمارستان سوروکا در بیرشبا واقع شده است.

* - راکت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بورس اوراق بهادار اسرائیل اصابت کرد، الجزیره گزارش داد.
* - آژانس خبری تسنیم ایران لیستی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه را که در محدوده راکت‌های ایرانی قرار دارند، منتشر کرد.

* - سخنگوی وزارت خارجه ایران اسماعیل باقائی به آمریکا هوشدار داد که از پیوستن به جنگ اسرائیل خودداری کند و گفت که این کار "دستورالعملی برای یک جنگ هم‌جانبه در منطقه خواهد بود."

فرستنده: طاهر باختری
۲۰ جون ۲۰۲۵

اختلاف جدی هند با چین و روسیه بر سر جنگ اسرائیل علیه ایران

وزارت امور خارجه هند (MEA) در پایان هفته گذشته تصریح کرد که هند "در بحث‌ها" دربارهٔ بیانیۀ سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) که پیش‌تر در همان روز اسرائیل را به دلیل آخرین حملاتش به ایران محکوم کرده بود، "مشارکت نداشته است".

عدم وجود هیچ بند حاکی از مخالفت هند در بیانیۀ این گروه، در ابتداء نشان‌دهنده اجماع (از جمله با رقیب پاکستان) بود، اما پس از شفاف‌سازی وزارت امور خارجه، اکنون این گمان را تقویت می‌کند که هند از جریان امور مطلع نگه داشته نشده است. اگر واقعاً چنین اتفاقی افتاده باشد، این موضوع می‌تواند پیامدهای سیاسی داشته باشد. سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) برای حل مسالمت‌آمیز مسائل مرزی میان چین و جمهوری‌های شوروی سابق پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد و سپس همهٔ آنها را در مخالفت با تهدیدات مشترک تروریسم، جدائی‌طلبی و افراطگرایی متحد کرد.

این گروه از زمان گسترش خود با پذیرش هند و پاکستان در سال ۲۰۱۵، کارکردهای اقتصادی و سایر وظایف مرتبط با اتصال را نیز بر عهده گرفته است، و این منافع اضافی به طور فزاینده‌ای به مرکز توجه آمده‌اند، زیرا این دو کشور یک دیگر را به دامن زدن به تهدیدات فوق‌الذکر متهم می‌کنند. ایران نیز در سال ۲۰۲۳ به SCO پیوست. مادهٔ ۱۶ اساسنامه SCO به وضوح بیان می‌کند که "نهادهای SCO تصمیمات را با توافق بدون رأی اتخاذ می‌کنند و تصمیمات آنها در صورتی اتخاذ شده تلقی می‌شوند که هیچ کشور عضو در طول بررسی آن اعتراضی مطرح نکرده باشد (اجماع)... هر کشور عضو می‌تواند نظر خود را در مورد جنبه‌های خاص و/یا مسائل مشخص تصمیمات اتخاذ شده بیان کند که مانعی برای اتخاذ تصمیم به طور کلی نخواهد بود. این نظر باید ثبت شود." بر این اساس، با توجه به عدم وجود هیچ بندی در بیانیۀ SCO که نشان‌دهندۀ عدم موافقت هند با مطالب نوشته شده باشد، به نظر می‌رسد که این کشور از جریان امور خارج شده است.

با توجه به این وضعیت، می‌توان گفت که سیاست‌گذاران و چهره‌های تأثیرگذار در هند که رویکرد غرب‌گرایانه دارند، اکنون ممکن است پس از مدتی ادعا کردن مبنی بر این که این گروه دیگر به اندازه گذشته با منافع کشورشان همخوانی ندارد، احساس درستی در ادعای خود داشته باشند.

این موضوع به نوبه خود می‌تواند منجر به فشار بر هند شود تا به طور علنی‌تر از SCO فاصله بگیرد. نتیجه‌گیری در مورد این که آیا هند اینگونه واکنش نشان خواهد داد، زود است، به ویژه که تاکنون با وجود تفاسیر مذکور در میان برخی، با هدف جلوگیری از سناریوی تسلط چین بر این گروه، و احتمالاً تبعات آن یعنی تبدیل شدن روسیه به شریک کوچک‌تر آن، در SCO باقی مانده است.

از دیدگاه هند، اگر چین سپس از نفوذ خود بر روسیه برای محروم کردن هند از تجهیزات نظامی در صورت بروز بحران مرزی دیگر استفاده کند، این امر تهدید بزرگی برای امنیت ملی محسوب می‌شود.

برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم، هیچ نشانه‌ای معتبری دال بر قریب‌الوقوع بودن چنین وابستگی روسیه به چین وجود ندارد، و نه این که روسیه با خواسته‌های گمانه‌زنی شده چین مبنی بر قطع ارتباط با هند پیش از یا در طول بحران آتی موافقت کند، و به این ترتیب بیجینگ را بر دهلی برتری دهد.

با این وجود، با توجه به آنچه که اخیراً با SCO رخ داد، و پس از نگرانی‌هایی که در مورد تغییر درک سیاست‌گذاران روسی از هند وجود دارد، چنین ترس‌هایی ممکن است اکنون در میان برخی افراد مهم در هند دوباره قوت یابد.

خوانندگان می‌توانند اطلاعات بیشتری در این باره را اینجا و اینجا (لینک به مقالات اصلی) کسب کنند، که تحلیل دوم توضیح می‌دهد چرا روسیه به ادعای ترمپ مبنی بر این که شخصاً درگیری اخیر هند و پاکستان را متوقف کرده است، اعتبار بخشید، ادعایی که هند بارها آن را تکذیب کرده است.

به احتمال زیاد، دیپلمات‌های هندی ممکن است بزودی به طور محرمانه از روسیه درخواست شفاف‌سازی کنند که چرا گروهی که خود با چین بنیان‌گذار آن بوده است، ظاهراً کشور آنها را در هنگام صدور آخرین بیانیه خود از جریان امور مطلع نکرده است.

فرستنده: طاهر باختری

۲۰ جون ۲۰۲۵

محکومیت حمله اسرائیل بر "سازمان صدا و سیمای ایران" از طرف (IFJ)

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) حمله "اسرائیل" به سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (IRIB) را محکوم کرد و خواستار پاسخگویی در قبال کشته شدن روزنامه‌نگاران در این حمله شد.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) بشدت حمله هوایی اخیر "اسرائیل" به ساختمان مرکزی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (IRIB) را محکوم کرد و آن را حمله‌ای هدفمند به کارکنان رسانه‌ای و نقض آشکار آزادی مطبوعات خواند.

بر اساس گزارش‌های IRIB، ساختمان این سازمان حداقل چهار بار مورد اصابت قرار گرفت که منجر به کشته شدن دستکم سه نفر از کارکنان آن شد.

این حمله روز دوشنبه، به عنوان بخشی از کارزار مداوم اشغالگران اسرائیلی علیه زیرساخت‌های ایران، رخ داد. تأسیسات IRIB، به عنوان یک مرکز رسانه‌ای برجسته، به دلیل این حمله به شدت آسیب دید که واکنش‌های سریعی را از سوی نهادهای نظارتی بین‌المللی و اتحادیه‌های روزنامه‌نگاری برانگیخت.

IFJ در بیانیه‌ای که روز سه‌شنبه منتشر شد، اعلام کرد که "حمله دهمند اسرائیل به سازمان صدا و سیمای ایران را محکوم می‌کند و کشتار عمدی کارکنان رسانه‌ی را تقبیح می‌کند." این بیانیه تأکید کرد که این حمله نه تنها یک فاجعه برای خانواده‌های قربانیان، بلکه تهدیدی جدی برای استقلال روزنامه‌نگاری در زمان جنگ است.

IFJ از همه طرف‌های درگیر در جنگ خواست تا به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند و از هدف قرار دادن روزنامه‌نگاران یا تأسیسات رسانه‌ی تحت هر شرایطی خودداری کنند.

دبیرکل IFJ خواستار پاسخگویی کیفی شد آنتونی بلانژه، دبیرکل IFJ، اظهار داشت که توجیه "اسرائیل" برای این حمله، بر اساس ادعاهائی مبنی بر این که این سازمان مواضع خصمانه‌ای اتخاذ کرده است، دلیل موجهی برای یک حمله نظامی نیست.

بلانژه با تأکید بر درخواست فدراسیون برای پاسخگویی در مواجهه با افزایش خشونت علیه اعضای مطبوعات در مناطق درگیری، گفت: "مسئولان جنایات علیه روزنامه‌نگاران باید در دادگاه‌های بین‌المللی جنائی محاکمه شوند." با افزایش توجه جهانی به رفتار نظامی اشغالگران اسرائیلی، مداخله IFJ به درخواست‌های فزاینده برای حفاظت از روزنامه‌نگاران و کارکنان رسانه‌ی در بحبوحه تشدید خصومت‌های منطقه‌ی می‌افزاید.

روز دوشنبه، ۲۷ خرداد- جوزا-، اشغالگران اسرائیلی حمله‌ای را علیه سازمان صدا و سیمای ایران انجام دادند که نقض آشکار قوانین بین‌المللی بود.

تصاویری منتشر شد که لحظه‌ی اصابت حملات به ساختمان در حین پخش زنده برنامه و همچنین پیامدهای این حمله را نشان می‌داد. رسانه‌های ایرانی از شهادت و زخمی شدن تعدادی در این حملات خبر دادند.

شایان ذکر است که این سازمان، با وجود این حمله و در اقدامی قهرمانانه، پخش زنده خود را از سر گرفت و مجری با جسارت اشغالگران اسرائیلی را به نبرد فراخواند و گفت: "دوباره ما را هدف قرار دهید".

علاوه بر این، حملات هوایی اسرائیل استودیوهای شبکه خبری رسمی ایران را نیز هدف قرار داد. در نتیجه، خبرنگار المیادین در تهران تأیید کرد که همه کانال‌های سازمان صدا و سیمای ایران به طور عادی فعالیت می‌کنند، به جز کانال خبری.

فرستنده: طاهر باختری
۲۰ جون ۲۰۲۵

واشنگتن پست: دفاع راکتی اسرائیل در آستانه فروپاشی در روزهای آینده

گزارش واشنگتن پست نشان می‌دهد که دفاع راکتی "اسرائیل" ممکن است ظرف چند روز در برابر حملات پایدار ایران از هم بپاشد، زیرا هزینه‌ها سر به فلک کشیده و ذخایر رهگیرها رو به کاهش است.

بر اساس گزارش جدیدی از واشنگتن پست، یک جنگ فرسایشی طولانی‌مدت بین "اسرائیل" و ایران برای تل ابیب پایدار نخواهد بود. این گزارش هزینه‌های فزاینده و کاهش ذخایر رهگیرها را به عنوان آسیب‌پذیری‌های حیاتی در شبکه پدافند هوایی "اسرائیل" برجسته می‌کند.

این گزارش که روز دوشنبه منتشر شد، به ارزیابی‌های مقامات اطلاعاتی امریکا و اسرائیل استناد می‌کند که نشان می‌دهد بدون تأمین فوری مجدد یا مداخله نظامی مستقیم امریکا، "اسرائیل" ممکن است تنها برای ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر قادر به حفظ سطح فعلی دفاع راکتی خود باشد.

یکی از منابع مطلع در این باره گفت: "آنها باید انتخاب کنند که چه چیزی را می‌خواهند رهگیری کنند. این سیستم از قبل اشباع شده است."

تحلیل و اشنگتن پست با هوشدارهای اخیر حساب [@METT Project](#)، که یک حساب اطلاعاتی منبع باز (OSINT) با تمرکز نظامی است، همسو است. این حساب پیش‌بینی کرده بود که گلوله‌باران‌های راکتی بالستیک مداوم ایران می‌تواند از حدود روز ۱۸ جنگ، به طور جدی سپر راکتی چندلایه "اسرائیل" را در هم بشکند. این پیش‌بینی، بر اساس نرخ استفاده از رهگیرها و موجودی‌های شناخته شده، نشان می‌داد که نفوذ روزانه راکت‌ها به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت زیرا شبکه دفاعی اسرائیل شروع به جیره‌بندی مهمات و اولویت‌بندی مناطق حیاتی می‌کند.

* - هزینه بالای دفاع راکتی بالستیک (BMD) مستلزم پایان سریع جنگ است
فشار اقتصادی ناشی از دفاع در برابر گلوله‌باران‌های راکتی سنگین ایران نیز در حال غیرقابل تحمل شدن است. به گزارش "مارکر"، یک نشریه مالی اسرائیلی، هزینه عملیات سیستم‌های دفاع راکتی به تقریباً یک میلیارد شیکل (حدود ۲۸۵ میلیون دلار) در هر شب افزایش یافته است. وابستگی "اسرائیل" به سیستم‌های پیشرفته مانند آرو ۲- و آرو ۳- که هر رهگیر آن‌ها حدود ۳ میلیون دلار هزینه دارد، نگرانی‌هایی را در مورد پایداری تشدید کشمکش فعلی ایجاد کرده است.

* - چرا گنبد آهنین نمی‌تواند در برابر راکت‌های ایران دفاع کند؟
سیستم پدافند هوایی لایه اسرائیل شامل چندین راکت با عملکرد بالا، مانند خط رهگیرهای آرو و راکت‌های فلاخن داوود، و همچنین راکت‌های ارزان‌تر گنبد آهنین/تامیر است که برای ساقط کردن راکت‌های توپخانه‌ای بهینه شده‌اند. نشانه فشار بر توانایی‌های پدافند هوایی روز سه‌شنبه صبح ظاهر شد، زمانی که تلاشی برای خنثی کردن حمله ایران به یک سایت متعلق به اداره اطلاعات نظامی اسرائیل (امان) با شکست مواجه شد. در این تبادل، رهگیرهای تامیر به عنوان آخرین تلاش برای جلوگیری از اصابت مستقیم به دارایی‌های امان، به سمت راکت‌های ورودی شلیک شدند. افزاین اینبار، تحلیلگر ستراتیژیک اسرائیلی، در توصیف عدم تطابق بین رهگیرهای ارزان‌تر و پرکاربرد گنبد آهنین و راکت‌های بالستیک مافوق صوت مورد استفاده ایران گفت: "این مانند شلیک یک تپانچه ۹ میلی‌متری به یک قطار باری است." در حالی که گنبد آهنین برای تهدیدات راکتی کوتاه‌برد، مانند راکت‌های غزه، بهینه شده است، تقریباً در برابر راکت‌های دوربرد ایرانی که در لایه‌های بالایی جو حرکت می‌کنند، بی‌اثر است.
گزارش و اشنگتن پست می‌افزاید که مقامات امریکایی به دقت سرعت حملات ایران و فشار بر سیستم‌های اسرائیلی را زیر نظر دارند. با ادامه گلوله‌باران‌های ایران، فرماندهان اسرائیلی به طور فزاینده‌ای مجبور به اتخاذ تصمیمات دشواری درباره اهداف مورد حفاظت هستند، سناریویی که می‌تواند بزودی زیرساخت‌های ستراتیژیک و مراکز جمعیتی را در معرض اصابت‌های موفق قرار دهد.

نویسنده: ویتالی ریومشین، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: علی کاظمی
۲۰ جون ۲۰۲۵

ایران در میدان نبرد: چرا مسکو نظاره‌گر و منتظر است؟

* - چرا جنگ اسرائیل و ایران ممکن است طبق نقشه نتانیاو پیش نرود؟

خاورمیانه روزهای آرامی ندارد. درگیری‌های مسلحانه همواره حضور دارند، اما این بار خطر بیشتر است.

اسرائیل خود را در رویارویی مستقیم نه با یک گروه وابسته یا شورشی، بلکه با ایران، دشمن اصلی ژئوپلیتیک خود و یک قدرت هسته‌ای احتمالی در آینده، یافته است.

به بیان دقیق، جنگ اسرائیل و ایران در ۱۳ جون آغاز نشد. این دو کشور پیش از این، در اپریل ۲۰۲۴، مستقیماً به یک دیگر حمله کرده بودند. برای دهه‌ها پیش از آن نیز، آنها درگیر چیزی بودند که معمولاً "جنگ سایه" نامیده می‌شود؛ عمدتاً از طریق عملیات اطلاعاتی، حملات سایبری و حمایت از نیروهای نیابتی منطقه‌ای. اما اکنون، به ابتکار اسرائیل، این درگیری به جنگی علنی تبدیل شده است.

خلاف حملات عمدتاً نمادین گذشته، این مرحله جدید، زیرساخت‌های استراتژیک، مراکز تصمیم‌گیری و حتی شهرها را هدف قرار می‌دهد. سرعت و مقیاس تبادل حملات، نشان‌دهنده تشدید چشمگیر اوضاع است. با هر حمله جدید، چرخنده جنگ با سرعت بیشتری می‌چرخد.

با این حال، این درگیری شبیه به نزاع اوکراین خواهد بود. ایران و اسرائیل مرز مشترک ندارند، بنابراین عملیات زمینی بعید است. آنچه شاهد آن هستیم، یک جنگ هوایی است؛ درگیری از راه دور که با حملات دوربرد و تبادل راکت تعریف می‌شود. طرفی که زودتر سرمایه نظامی و سیاسی خود را از دست بدهد، بازنده خواهد بود.

پیروزی در اینجا کمتر به قلمرو مربوط است تا به تاب‌آوری و صبر استراتژیک.

این که چه کسی زودتر از پا درمی‌آید، هنوز مشخص نیست. ایران بزرگترین زرادخانه راکتی در خاورمیانه را دارد. با این حال، اسرائیل از حمایت بی‌دریغ ایالات متحده برخوردار است. به نظر می‌رسد بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، معتقد است که فشار مداوم، چیزی را که او "رژیم آیت‌الله‌ها" می‌نامد، بی‌ثبات کرده و آن را وادار به فروپاشی تحت فشارهای خارجی و داخلی خواهد کرد.

اما خود نتانیاهو نیز از نظر سیاسی آسیب‌پذیر است. دولت او با رسوایی‌ها و اختلاف‌های داخلی همراه بوده است. درگیری طولانی و بی‌نتیجه می‌تواند براحتی بقای کابینه او را تهدید کند.

نتیجه ایده‌آل برای اسرائیل، یک کارزار سریع و قاطع، مشابه درگیری‌های گذشته‌اش با حزب‌الله خواهد بود. در آن موارد، برتری هوایی و عملیات سریع، دشمن را وادار به تسلیم کرد. اظهارات مقامات اسرائیلی نشان می‌دهد که این همچنان هدف است: یک عملیات دو هفته‌ای که برای فلج کردن توانایی‌های تهاجمی ایران طراحی شده است.

با این حال، یک تفاوت اساسی وجود دارد: ایران، حزب‌الله نیست. تهران ممکن است در ۱۳ جون دچار لغزش شده باشد، اما از سازماندهی و منابع نظامی به مراتب برتری برخوردار است. جمهوری اسلامی از نظر قلمرو و جمعیت، چندین برابر بزرگتر از اسرائیل است، که به معنای استقامت بسیار بیشتر آن است. اسرائیل با این تشدید چشمگیر، ممکن است هیچ گزینه‌ای جز جنگیدن برای ایران باقی نگذاشته باشد.

و شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد برنامه پیروزی سریع اسرائیل در حال حاضر با مشکل مواجه شده است. اگر جنگ طولانی شود، نتانیاهو می‌تواند با واکنش‌های سیاسی در داخل و انتقادهای بین‌المللی روبه‌رو شود. به نظر من، این محتمل‌ترین سناریو است.

نتانیاهو تنها رهبری نیست که چیزی برای از دست دادن دارد. دونالد ترامپ، که زمانی قول پایان جنگ‌های بی‌پایان و کاهش قیمت بنزین را داده بود، در حال حاضر با واکنش‌هایی در جنبش "ماگا" مواجه است. حمایت علنی او از اسرائیل، بخش‌هایی از پایگاه هوادارانش را [بیگانه و دور] alienated کرده است، که اکنون او را به درگیر کردن ایالات متحده در یک درگیری خارجی دیگر متهم می‌کنند.

بنابراین ترمپ با همان معضل جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق، روبه‌رو است. آیا او منافع لابی طرفدار اسرائیل را ترجیح خواهد داد، که عمیقاً در حزب جمهوریخواه و حلقه‌ی نزدیکانش ریشه دارد؟ یا نظر رأی‌دهندگان را، که قادر به تغییر حزب او در انتخابات ۲۰۲۶ هستند؟ و اگر اسرائیل را انتخاب کند، آیا برای عواقب آن آماده خواهد بود؟ ترمپ قول داده بود قیمت بنزین را برای امریکائی‌ها کاهش دهد. او همچنین ادعا کرد بحران خاورمیانه را حل خواهد کرد. اگر ایران در واکنش به تجاوز اسرائیل، برنامه‌ی هسته‌ای خود را تسریع کند، این به معنای پایان سیاست ایران ترمپ خواهد بود، که با خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ آغاز شد.

در همین حال، در مسکو، اوضاع با علاقه‌ی رصد می‌شود. افزایش قیمت نفت از نظر اقتصادی به نفع روسیه خواهد بود. مهمتر این که، یک جنگ بزرگ بین اسرائیل و ایران می‌تواند واشنگتن را از تعهداتش به اوکراین منحرف کند. تهران همچنین یک شریک ستراتیژیک برای روسیه است، و به نفع مسکو خواهد بود که ایران در میدان نبرد بماند. با این حال، سؤالاتی در مورد میزان توانایی یا تمایل روسیه برای اقدام باقی می‌ماند. درگیری اوکراین بخش زیادی از ظرفیت نظامی و صنعتی این کشور را به خود مشغول کرده است. علاوه بر این، پیمان مشارکت ستراتیژیک که اخیراً با ایران امضاء شده، هیچ تعهدی برای حمایت نظامی مستقیم ندارد. این پیمان صرفاً بیان می‌کند که هیچ یک از طرفین به متجاوز کمک نخواهند کرد.

بنابراین در حال حاضر، بهترین مسیر برای روسیه ممکن است کنارگیری باشد، ارائه‌ی حمایت دیپلماتیک و کلامی، و امید به این که ایران زیاده‌روی نکند. لازم به ذکر است که تهران پس از اولین حملات، نسبتاً سریع خود را بازپایی کرد. توانایی آن در سازگاری با تاکتیک‌های هوایی اسرائیل، تقویت ضدجاسوسی و پاسخ مؤثر، فاز بعدی جنگ را تعیین خواهد کرد.

احتمالاً در بازه زمانی دو هفته‌ای که اسرائیل برای خود تعیین کرده است، تحولات واضح‌تری را خواهیم دید. اما اگر آن مهلت بدون نتیجه‌ی قطعی سپری شود، ممکن است این نتایج باشد، نه تهران، که خود را بدون گزینه می‌یابد.

این مقاله ابتداء توسط روزنامه‌ی آنلاین Gazeta.ru منتشر شده و توسط تیم RT ترجمه و ویرایش شده است.

فرستنده: طاهر باختری

۲۰ جون ۲۰۲۵

سرمقاله گلوبال تایمز: امریکا باید فوراً به سوخت‌رسانی به ماشین جنگی در خاورمیانه پایان دهد

وضعیت در خاورمیانه به طور فزاینده‌ای متشنج می‌شود. تیتل "آیا امریکا برای جنگ آماده می‌شود؟" از الجزیره، نگرانی عمیق در سراسر منطقه و جامعه بین‌المللی را در مورد مداخله‌ی نظامی امریکا در مناقشه ایران و اسرائیل نشان می‌دهد؛ مداخله‌ای که می‌تواند باعث خارج شدن اوضاع از کنترل شود. در واکنش به تهدیدهای جنگی امریکا، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، روز چهارشنبه در یک سخنرانی تلویزیونی گفت که ایران "تسلیم نخواهد شد" و هوشدار داد که هرگونه مداخله‌ی نظامی امریکا "خسارات جبران‌ناپذیری" به بار خواهد آورد. اکنون جهان با نگرانی نظارمگر است: آیا امریکا در حال انجام یک آزمایش سختگیرانه پیش از مذاکرات است یا در حال بسیج افکار عمومی برای یک جنگ؟ در هر صورت، صرف این واقعیت که امریکا به فکر دخالت است، خود یک علامت بسیار خطرناک است.

راه‌های دیپلماتیک در مورد موضوع هسته‌ای ایران هنوز به پایان نرسیده است و یک راحل مسالمت‌آمیز هنوز امکان‌پذیر است. اجماع عمومی در جامعه بین‌المللی این است که نیروی نظامی نمی‌تواند صلح را به منطقه بیاورد - تنها با حمایت از دیدگاه امنیت مشترک می‌توان به نگرانی‌های مشروع همه طرف‌ها به طور کامل رسیدگی کرد. پیش از درگیری فعلی ایران و اسرائیل، امریکا و ایران قبلاً پنج دور مذاکره در مورد موضوع هسته‌ای برگزار کرده بودند. در حالی که اختلافات قابل توجهی باقی ماند و هیچ پیشرفت اساسی حاصل نشد، مذاکرات ادامه داشت. اگر حمله نظامی ناگهانی اسرائیل به ایران نبود، دور ششم مذاکرات طبق برنامه در مسقط، عمان برگزار می‌شد. واضح است که آنچه باعث درگیری شد، فروپاشی دیپلماسی نبود، بلکه یک ماجراجویی نظامی بود.

موضوع هسته‌ای ایران بیش از ۲۰ سال است که به طول انجامیده است. مهم‌ترین درس آموخته‌شده این است که تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک تنها راه صحیح برای حل مناسب این موضوع است. عمیق‌ترین درس تاریخی این است که رویارویی، فشار و تضعیف توافق‌های بین‌المللی تنها به پیچیده‌تر شدن اوضاع کمک می‌کند. امریکا مسئولیت موضوع هسته‌ای ایران را بر عهده دارد. اگر واشنگتن به طور یکجانبه از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج نشده بود و اگر این توافق به طور روان و مؤثر اجراء می‌شد، این موضوع به احتمال زیاد به وضعیت فعلی وخیم نمی‌شد.

به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی، حاکمیت ملی، امنیت و تمامیت ارضی ایران نباید نقض شود و مردم ایران و اموال آنها باید محافظت شوند. به ویژه از آنجا که جامعه بین‌المللی هنوز به دنبال یک راحل سیاسی برای این موضوع است، هرگونه استفاده بی‌پروا از زور علیه ایران غیرقابل قبول است و نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. از افغانستان تا عراق، تاریخ مدت‌هاست ثابت کرده است که مداخلات نظامی امریکا هرگز صلح را به ارمغان نیاورده است. در عوض، آنها ویرانی به بار آورده و بذر نفرت را کاشته‌اند، حتی به جامعه امریکا نیز آسیب عمیقی وارد کرده‌اند. بر اساس پروژه "هزینه‌های جنگ" دانشگاه براون، از سال ۲۰۰۱، به اصطلاح "جنگ علیه ترور" امریکا بیش از ۸۰۰۰۰۰ نفر را به کام مرگ کشانده، بیش از ۳۸ میلیون نفر را آواره کرده و بیش از ۸ تریلیون دلار هزینه داشته است. این درس‌های دردناک هنوز از یاد نرفته‌اند. سی‌ان‌ان هوشدار داده است که "امریکا ممکن است به سوی جنگ دیگری در خاورمیانه پیش رود" و واشنگتن را "در آستانه یک قمار بزرگ" توصیف کرده و در عین حال تأکید می‌کند که "ایران، لیبیا، عراق یا افغانستان نیست" و "تاریخ مجبور نیست تکرار شود." یک نظرسنجی اخیر اکونومیست نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از امریکایی‌ها مخالف مداخله نظامی امریکا در این درگیری هستند و تنها ۱۶ درصد از اقدام نظامی حمایت می‌کنند. این نشان می‌دهد که درگیری عمیق‌تر در مناقشه ایران و اسرائیل بازتاب‌دهنده اراده واقعی مردم امریکا نیست.

حضور نظامی امریکا در خاورمیانه در حال حاضر قابل توجه است و کشمکش‌ها در منطقه به اندازه کافی بالاست. حتی اگر واشنگتن صرفاً برای "ترساندن" ایران ژست می‌گیرد، چنین تکتیک‌های "فشار حداکثری" تلاش‌ها برای دستیابی به صلح منطقه‌ای را تضعیف می‌کند و خلاف انصاف و عدالت بین‌المللی است. اولویت فوری کنونی، ادامه تخصیص مجدد نیروها یا استقرار ناوهای هواپیمابر و جت‌های جنگنده بیشتر نیست، بلکه ترویج صلح و توقف جنگ است. باید اقدامات مؤثری برای جلوگیری از تشدید درگیری‌ها و جلوگیری از آشفته‌گی بیشتر در منطقه انجام شود. بازگشت به یک راحل سیاسی از طریق صحبت و مذاکره، انتظار مشترک جامعه بین‌المللی است. تشدید اوضاع در خاورمیانه به نفع هیچ طرفی نیست.

امریکا به عنوان کشوری با نفوذ ویژه بر اسرائیل، باید به ویژه موضعی عینی و بی‌طرفانه اتخاذ کند، مسؤولیت لازم را بپذیرد و نقش مثبت و سازنده‌ای در کاهش کشمکش‌ها و جلوگیری از گسترش بیشتر درگیری ایفا کند. خون هنوز در غزه جاری است، پناهندگان سوری همچنان سرگردان هستند و خاورمیانه نمی‌تواند یک "جنگ تحمیلی" دیگر را تحمل کند. اگر امریکا واقعاً به دنبال "حل مسالمت‌آمیز مناقشات" است، باید سیگنال‌های واضح‌تر و فعال‌تری در مورد مسائل خاورمیانه ارسال کند، به سوخت‌رسانی به ماشین جنگی پایان دهد و مسؤولیت ترویج صلح و توقف جنگ را بر عهده بگیرد، نه این که مسائل را بیشتر پیچیده کند یا بخشی از مشکل شود.

فرستنده: طاهر باختری

۲۰ جون ۲۰۲۵

رویترز: مذاکرات مستقیم میان ایران و امریکا همزمان با ادامه جنگ



این تماس‌ها در مقایسه با تعاملات پیشین میان دو طرف، که از آوریل و به‌صورت غیرمستقیم در عمان و ایتالیا برگزار شده بود، "مهم‌ترین و محتوایی‌ترین مذاکرات مستقیم" توصیف شده‌اند. در این دیدارهای قبلی، عراقچی و ویتکوف فقط برخوردهای کوتاه و تصادفی داشتند.

در حالی که حملات نظامی اسرائیل به خاک ایران ادامه دارد، سه دیپلمات مطلع به خبرگزاری رویترز گفته‌اند که وزیر خارجه ایران عباس عراقچی و فرستاده ویژه امریکا، استیو ویتکوف، در تلاش برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک برای بحران کنونی، چندین تماس تلفنی مستقیم برقرار کرده‌اند.

این تماس‌ها که پس از آغاز حملات اسرائیل در ۱۳ جون صورت گرفته، به گفته این دیپلمات‌ها، شامل گفت‌وگوهایی درباره پیشنهاد امریکا برای تشکیل یک کنسرسیوم منطقه‌ای جهت غنی‌سازی اورانیوم در خارج از خاک ایران بوده است؛ پیشنهادی که تهران تاکنون آن را رد کرده است.

یکی از دیپلمات‌های منطقه‌ای نزدیک به تهران گفته است عراقچی در تماس با ویتکوف تأکید کرده که جمهوری اسلامی تا زمانی که حملات اسرائیل ادامه دارد، به میز مذاکره باز نخواهد گشت. او همچنین افزوده که تهران در صورت اعمال فشار واشنگتن بر اسرائیل برای توقف جنگ، "ممکن است در موضوع هسته‌ای انعطاف نشان دهد".

این تماس‌ها در مقایسه با تعاملات پیشین میان دو طرف، که از آوریل و به‌صورت غیرمستقیم در عمان و ایتالیا برگزار شده بود، "مهم‌ترین و محتوایی‌ترین مذاکرات مستقیم" توصیف شده‌اند. در این دیدارهای قبلی، عراقچی و ویتکوف فقط برخوردهای کوتاه و تصادفی داشتند.

در همین حال، یک دیپلمات اروپایی نیز به رابرتز گفته است عراقچی به ویتکوف گفته که ایران آماده بازگشت به گفت‌وگوهای هسته‌ای است، اما ادامه بمباران‌های اسرائیل مانعی جدی بر سر راه این بازگشت است.

رئیس‌جمهور امریکا، دونالد ترامپ، گفته است تهران باید غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود را متوقف کند، در حالی که رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، حق غنی‌سازی را "غیرقابل مذاکره" دانسته است. ترامپ هنوز تصمیمی رسمی درباره پیوستن نیروهای امریکائی به عملیات نظامی اسرائیل اعلام نکرده اما گفته است که "مقامات ایرانی خواهان سفر به واشنگتن برای دیدار هستند".

در همین حال، اظهارات ترامپ درباره احتمال پایان سریع عملیات نظامی و آغاز مذاکرات، در نشست اخیر سران گروه هفت در کانادا نیز بازتاب داشته است. با این حال، رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، با اشاره به این سخنان، گفت "ترامپ پیشنهاد آتش‌بس و آغاز گفت‌وگوهای گسترده‌تر را مطرح کرده است".

سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان (E3) که از اعضای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ هستند، روز جمعه قرار است در ژنو با عراقچی دیدار کنند. سخنگوی وزارت خارجه ایران و یک مقام اتحادیه اروپا این خبر را تأیید کرده‌اند.

به گفته دیپلمات‌ها، در گفت‌وگوهای جداگانه با مارکو رویو، وزیر خارجه امریکا، و عراقچی، طرفین درباره امکان آغاز یک ابتکار دیپلماتیک جدید تبادل نظر کرده‌اند. یکی از دیپلمات‌های ارشد اروپایی گفته است آنچه از نشست گروه هفت برمی‌آید این است که ترامپ خواهان پایان سریع عملیات نظامی و گفت‌وگو با ایران است، اما همچنین تأکید دارد که تهران باید شروط او را برای پایان جنگ بپذیرد.

با توجه به شدت حملات اسرائیل و فضای سیاسی ایران، دیپلمات‌ها می‌گویند برگزاری مذاکرات علنی میان تهران و واشنگتن در حال حاضر ممکن نیست، اما ایران دیدار با اروپایی‌ها به عنوان واسطه‌ای برای پیشبرد روند دیپلماتیک را واقع‌بینانه‌تر می‌داند.

پنجشنبه ۲۹ خرداد-جوزا- ۱۴۰۴

فرستنده: طاهر باختری

۲۰ جون ۲۰۲۵

جنگ‌ها فقط بهانه می‌خواهند، ترامپ هوشدارهای اطلاعاتی درباره ایران را نادیده می‌گیرد تا در کنار اسرائیل قرار گیرد



تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی، در حال ورود به ساختمان کنگره امریکا برای جلسه استماع در کمیته فرعی سنا.

در حالی که کشمکش‌ها میان ایران و اسرائیل به اوج رسیده، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، ارزیابی رسمی سازمان‌های اطلاعاتی کشور خود را درباره برنامه هسته‌ای ایران نادیده گرفت و با موضع بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، هماهنگ شد.

تولسی گبرد، مدیر اطلاعات ملی امریکا که به انتخاب شخص ترامپ در این سمت قرار گرفته، در جلسه‌ای رسمی در کنگره در ماه مارس اعلام کرده بود: "جامعه اطلاعاتی امریکا همچنان بر این باور است که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و رهبر ایران برنامه‌ای را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده، مجدداً فعال نکرده است."

اما ترامپ روز سه‌شنبه در راه بازگشت به واشنگتن در پاسخ به سوالات خبرنگاران گفت: "برایم مهم نیست او چه گفته. من فکر می‌کنم ایران خیلی به ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک بوده است."

این اظهارنظر ترامپ کاملاً همراه با موضع نتانیاهو بود که خواستار حمله پیش‌دستانه به تأسیسات غنی‌سازی ایران شده تا به گفته او، برنامه هسته‌ای این کشور "برای همیشه" متوقف شود.

گبرد در تلاش برای کاهش این اختلاف، در مصاحبه‌ای با شبکه CNN مدعی شد که ترامپ در واقع همان سخنان او را تکرار کرده است. با این حال، غیبت او در نشست‌های امنیتی مهم دولت ترامپ و نادیده گرفته شدن گزارش‌های او نشان می‌دهد که سیاست رسمی دولت در مسیری کاملاً متفاوت قرار دارد.

در همین حال، ترامپ در پیامی در شبکه اجتماعی خود نوشت: "تسلیم بی‌قید و شرط!" و رسانه‌های امریکائی گزارش داده‌اند که دولت او تجهیزات نظامی از جمله ناو هواپیمابر، هواپیماهای سوخت‌رسانی KC-135 و جت‌های جنگی اضافی را به منطقه اعزام کرده است تا "گزینه‌های بیشتری" برای مداخله مستقیم داشته باشد.

همزمان، گزارش‌های اطلاعاتی درباره فاصله ایران تا دستیابی به سلاح هسته‌ای با تناقض مواجه شده‌اند. فرمانده ستاد مرکزی نیروهای امریکا، ژنرال مایکل کوریل، مدعی شد ایران می‌تواند ظرف سه هفته به مواد کافی برای تولید ۱۰ بمب هسته‌ای دست یابد. اما چهار منبع آگاه به ارزیابی اطلاعاتی امریکا به CNN گفته‌اند که ایران "در حال حاضر به طور فعال برای ساخت سلاح هسته‌ای تلاش نمی‌کند" و تا رسیدن به توانائی تولید و تحویل یک بمب حداقل سه سال فاصله دارد.

گبرد که به دلیل دیدگاه‌های ضدجنگ خود به این سمت منصوب شد، ظاهراً از حلقه تصمیم‌سازی دولت ترامپ کنار گذاشته شده است. در نشست مهم روز یکشنبه در کمپ دیوید که با حضور کلیه اعضای کابینه امنیتی ترامپ برگزار شد، او حضور نداشت.

غیبت او باعث واکنش چهره‌های جناح راست افراطی از جمله استیو بنن و تاکر کارلسن شد که از مداخله نظامی مستقیم در ایران انتقاد کرده‌اند. کارلسن که سابقاً از چهره‌های پرنفوذ رسانه‌ای در جناح ترامپ بود، اظهارات گرمی علیه "جنگ‌طلبان" در کابینه بیان کرد و عدم دعوت از گبرد را نشانه‌ای از تغییر رویکرد کاخ سفید دانست.

با وجود این هوشدارها، به نظر می‌رسد ترامپ در مسیر تشدید درگیری حرکت می‌کند. معاون او، جی‌دی ونس، که سابقه‌ای ضدجنگ دارد، در اظهاراتی ملایم اعلام کرد "تصمیم نهائی با رئیس‌جمهور است" و "ترامپ فقط در جهت منافع مردم امریکا عمل می‌کند."

در این میان، سیاست امریکا در قبال ایران به سرعت در حال تغییر است، و در حالی که برخی از مخالفان جنگ نگران از دست دادن نفوذ خود هستند، برخی دیگر به سرعت با مسیر جدید هماهنگ می‌شوند.

این وضعیت ممکن است نه تنها شکل‌گیری جنگی جدید در خاورمیانه را رقم بزند، بلکه تعریف تازه‌ای از سیاست خارجی دوران دوم ریاست‌جمهوری ترامپ ارائه دهد؛ دولتی که وعده داده بود دوران "جنگ‌های بی‌پایان" را به پایان برساند.

چهارشنبه ۲۸ خرداد- جوزا- ۱۴۰۴